

# ایران و جنگی فرا منطقه ای

(خلیج فارس خط مقدم نبرد احتمالی)

روزبه پارساپور

مرکز مطالعات خلیج فارس

مهر ۱۳۸۹ خورشیدی



## چکیده

تهدید به حمله نظامی بر علیه ایران در جهت متوقف کردن توان هسته ای این کشور و همچنین بیان شعارهایی همچون گسترش دموکراسی خواهی و نابودی سلاحهای کشتارجمعی در ایران، در زمره گزینه‌هایی است که این روزها ایالات متحده و رژیم صهیونیستی بسیار از آن سخن میگویند. گزینه‌ای که پس از تشدید تحریم‌های غیرقانونی علیه ایران و شک در باب کارآمدی آنها هر روز بیش از پیش پررنگ میشود. در این میان تئوریسن‌های دفاعی خاورمیانه و حتی تئوریسین‌های غربی متفق القول به فاجعه بار بودن چنین درگیری نظامی اعتراف نموده اند. بی شک گستره بی حد و مرز چنین جنگی بر کارشناسان امور نظامی نیز پنهان نیست. تصور اینکه اسرائیل با یک حمله هوایی به اصطلاح ضربتی که قبلا در مصر (۱۹۶۷)، عراق (اوسیراک ۱۹۸۱) و سوریه (دیرالزور ۲۰۰۷) آزمایش و نتیجه مثبت از آن گرفته است، بخواهد پایگاههای اتمی ایران را نیز بمباران کند و به سرعت محل را ترک کند، تئوری نارکارآمد و شکست خورده به نظر میرسد. واکنش جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که نه مانند مصر و عراق یا سوریه است، به این حمله بیست و چهار ساعت پس از وقوع آن چه خواهد بود؟ ابعاد و وسعت این جنگ احتمالی دوجانبه آمریکا و اسرائیل بر علیه ایران به چه میزان می باشد؟ فشارهای جوامع جهانی و ملت‌های مختلف و یا حتی سازمان ملل متحد به این تجاوز آشکار چه خواهد بود؟ اسرائیل که خود دارنده سلاحهای هسته ای در جهان بشمار میرود و کارنامه بیش از ۵۰ سال اشغالگری و کشتار و درگیری را در خاورمیانه دارد با چه توجیه بین المللی میتواند دست به چنین ریسک بزرگی بزند؟ ریسکی که میتواند موجودیت خود را برای همیشه به مخاطره بیناندازد! اگر چنین حمله نظامی تاکنون از سوی اسرائیل صورت نگرفته است یکی از دلایل آن دو راهی است که اسرائیل در میان آن قرار گرفته است. خاورمیانه هسته‌ای و یا خلع سلاح هسته ای برای همه. یا باید تمامی کشورها در خاورمیانه از تسلیحات هسته‌ای برخوردار باشند و یا هیچ کشوری نباید از این امتیاز برخوردار باشد. قابل پنهان کردن نیست که طی یکسال اخیر شدیدترین لحن گفتاری بین سران سیاسی و نظامی سه کشور (ایران، آمریکا، اسرائیل) بکار گرفته شده است. این مقاله با توجه به اهمیت و ابعاد گسترده هرگونه درگیری نظامی با

ایران که میتواند موجب جنگی نامحدود را فراهم سازد و زمینه را جهت تحریک و حمایت احزاب، کشورها و شبه نظامیان همسو با ایران را سبب گردد، تلاش میکند که به واکاوی و بررسی اثرات گسترده جنگ احتمالی میان ایران اسرائیل و ایالات متحده، در محدوده خاورمیانه و فراتر از آن که میتواند به منزله آغاز جنگ جهانی سوم تلقی گردد، بپردازد.

**کلید واژه:** جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، جنگ، عملیات استشهادی، سپاه پاسداران، خلیج فارس

#### مقدمه

جنگ بخودی خود معلول است، معلول کشاکش منافع مادی و یا منافع ایدئولوژیک، معلول علیتهایی که ریشه در تعارض و تناقض شیوه تملک بر منابع طبیعی ثروت بر کره زمین و تقسیم ثمره استثمارگرانه کار انسانها، بمثابه سرچشمه سرمایه بشریت دارد. که از این منظر اقلیتی ناچیز صاحب همه چیز و اکثریتی غالب با وجود دارا بودن منابع طبیعی و پتانسیل های بالقوه در جوامع انسانی دست کوتاه از همه چیز بسر میبرند. تراکم سرمایه و ولع سیری ناپزیر انباشت آن در قالب تراست و کارتل های فراملیتی و امپراتوری مالی، توسط اندک صاحبان آن بیک هیرارشی قدرت نظامی سیاسی در جهان تبدیل شده و بر سرنوشت و مقدرات کل جهان بشری حکم میراند. اما از آنجائیکه منطق مادیگرایانه حکم میکند، هر پدیده مادی دارای ظرفیتی محدود، با بازتابی معین و متقابل در تقابل با آن، لذا حاصل اینچنین پارادوکس اقتصادی سیاسی وضع و نظام موجود در این رابطه، بوجود آمدن قطب بندیهای غیر متعادل و متضاد اجتماعی که بطور روزافزون بر وسعت فاصله طبقات اجتماعی فرودست و فرادست افزوده است و از طرفی با بوجود آمدن فاصله قاره ای و عمیق در میان کشورهای غنی و فقیر که در راستای همین پولاریزاسیون اجتماعی و نواستعمار انحصارات سرمایه جهانی حاصل شده است، موجب خیزش و جنبشهای عمومی اجتماعی و استقلال سیاسی ملی در قبال و تقابل با آنها ضرورت یافته است.

بعد از این فروپاشی نظام دوقطبی، ایالات متحده امریکا از فرصت ایجاد شده بهره برد و خود را قدرت بلامنازع جهان دانست و درصدد مدیریت بر دنیا برآمد و هر کشوری را که با منافعش در تضاد می دید به بهانه های گوناگون از جمله؛ استقرار حقوق بشر، نابودی سلاح های کشتار جمعی، تعقیب تروریست، استقرار دموکراسی و... مورد تهدید قرار میدهد. امروزه جمهوری اسلامی ایران به دلیل روحیه ظلم ستیزی خود که ریشه در آموزه های مکتب شیعی و نوع نگاهی که این مذهب به مقوله استقلال و عدالت دارد و همچنین سابقه تاریخی کهن حق طلبی ملت ایران، تنها کشوری در جهان بشمار میرود که پرچمدار مبارزه با سیاستهای استعماری است و بدون تردید یکی از رهبران مهم در چنین جنبشهای عمومی در سطح جهان بشمار میرود که بر علیه امپریالیسم ایالات متحده و برخی متحدانش که در جهت چپاول حقوق ملتهای ضعیف گام بر میدارند حرکت میکند. بی شک دور از انتظار نیست که این ایدئولوژی مبارزه طلبی بر علیه ظلم حاکم برخی کشورهای غربی بر جهان، تبعات اقتصادی و سیاسی منفی نیز از سوی این کشورها بر ایران اعمال گرداند.

در راستای همین هدف، تلاشها و فرافکنی های چندین دهه ای ایالات متحده بر علیه ایران، امروزه برخی سران کشورهای همسایه عرب در این تصور هستند که هیچ خطری از جانب اسرائیل آنان را تهدید نمی کند و هر اندازه که نزاع اعراب با اسرائیل ادامه یابد، این ایران است که با بهره گیری از آن خواهد کوشید بر نفوذ و سیطره فکری خود در خاورمیانه بیفزاید. گزارش سپتامبر ۲۰۰۶ موسسه مطالعات استراتژیک لندن هم با ذکر این دیدگاه می افزاید کشورهای عرب که سالیان دراز هدف تبلیغات گسترده ایران علیه حاکمان آنها قرار داشتند، اکنون احساس می کنند که خطر واقعی از جانب ایران نه اسرائیل آینده رژیم های آنان را تهدید می کند. بعد از تثبیت چنین دیدگاهی در نزد سران عرب در دومین حلقه از این سناریو ایالات متحده به عربستان، امارات و قطر، سر حلقه هایی که بیشترین اصطکاک دیپلماتیک را با تهران دارند بیش از ۲۰ میلیارد دلار تسلیحات می فروشد و سعی می کند آنها را تجهیز نظامی کند. ایالات متحده برای خنثی کردن اعتراض های احتمالی اسرائیل هم همزمان موافقت می کند کمک نقدی

نظامی به این رژیم حدود ۲۵ درصد افزایش یابد و در مجموع طی ۱۰ سال آینده به ۳۰ میلیارد دلار برسد. نخست وزیر اسرائیل ۲۹ جولای ۲۰۰۷ در جلسه هفتگی هیات دولت گفت که ایالات متحده تعهد کرده در هر صورت برتری کیفی ارتش اسرائیل بر کشورهای همسایه و عرب را حفظ کند و افزوده که اختصاص دادن یک بودجه سالانه ۳ میلیارد دلاری از کمک های امریکا به ارتش اسرائیل امکان می دهد بدون نگرانی از نوسان های بودجه ای برنامه ۱۰ ساله ای را برای نوسازی و تجهیز خود تهیه کند. (مرشدی، ۱۳۸۶ : ۴)

اما گزینه درگیری نظامی نقطه پایانی همه تقابلهای چندین دهه ای سیاسی و عقیدتی محسوب میشود. زیرا که نبرد بین طرفین به عنوان یک جنگ غیر کلاسیک بزرگ شمرده میشود که از یکسو قدرت عقیدتی و تمدنی بزرگ همچون ایران و از سوی دیگر قدرتمندترین ارتش کلاسیک جهان (آمریکا) در مقابل یکدیگر صف آرایی میکنند و این حقیقت است که چنین جنگی در ابعاد بسیار وسیع میتواند دهها کشور مرتبط را به دامان خود بکشاند و نظم امنیتی غیر قابل پیش بینی را بر دنیا اعمال نماید.

## حوزه های ژئوپلیتیکی

منطقه خاورمیانه به دلیل ذخایر فراوان انرژی و تامین نفت خام ۶۰ تا ۶۵ درصدی جهان، استقرار پایگاههای زمینی و دریایی و هوایی ایالات متحده و وجود کشوری بحران ساز همچون اسرائیل، به یکی از کانونهای تنش زا در سطح جهان تبدیل شده است. امروزه ۳۵ پایگاه نظامی غرب در شیخ نشین های کویت، عربستان، بحرین، قطر، امارات، عمان قرار گرفته است که علاوه بر دنبال کردن سیاست های چپاول منابع خاورمیانه، بر تنش بین ملتها نیز دامن زده اند. در حال حاضر ۲۰۰ هزار نیروی نظامی آمریکایی در این منطقه حاضر هستند که علاوه بر خطری برای امنیت و موقعیت منطقه ای ایران به یکی از نخستین اهداف نظامی ایران در هرگونه درگیری نظامی تبدیل شده است. همچنین خاورمیانه از دیدگاه ایدئولوژیک از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا کانون تمام ادیان بزرگ الهی بشمار میرود؛ یعنی مسیحیت، یهودیت، اسلام و همچنین زرتشتیت از این منطقه برخاسته است. از عربستان

سعودی تا مصر و بیت المقدس و ایران خاستگاه این چهار دین بزرگ یکتاپرستی جهان است. بنابراین این منطقه یک منطقه حیاتی، حساس، استراتژیک و مهم است که میتوان به آن لقب قلب زمین را داد. اما در کنار همه این موقعیت های ممتاز خاورمیانه یک واقعیت انکار ناپذیر نیز وجود دارد که آن چیزی نیست جز منطقه ای کشمکش ساز و محل دائمی نزاع بین قدرتها و گروههای متخاصم و جنگهای قومی متعدد که همین کشمکش به قدرتهای دیگر نیز رخصت می دهد میدان منازعه خود را به این منطقه انتقال دهند. شاید یکی از دلایل کشمکش های چندین دهه ای در این منطقه خلع یک قدرت بزرگ در خاورمیانه است تا بتواند نقش رهبری کشورهای کوچک و بحران زا را برعهده داشته باشد و صلح و آرامش را با درایت برقرار سازد. ایران باتوجه به موقعیت ژئواستراتژیکی و حساس و نقش آفرینی چندین هزار ساله در این منطقه، قابلیت های بالقوه فراوانی دارد که میتواند این رهبری منطقه ای را برعهده گیرد.

کشور ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در جنوب غرب آسیا، بخش وسیعی از فلات ایران را در بر می گیرد. موقعیت خاص ایران به گونه ای است که مرکز ثقل یکی از بزرگترین شبکه های ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به خاور دور و کشورهای آسیای مرکزی و ماورا قفقاز را به جنوب وصل می کند، در رابطه با موقعیت ریاضی تمام خاک ایران در منطقه معتدل کره زمین واقع است، در رابطه با موقعیت نسبی اگرچه از اقیانوس ها و دریاهای بزرگ فاصله دارد ولی در دو سوی شمال و جنوب به دریا منتهی می شود. همجواری ایران با دو پهنه آبی مهم خزر و خلیج فارس علاوه بر سهولت ارتباط دریایی و مسئله صادرات و واردات موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی را به ایران بخشیده است، حوزه های ژئوپلیتیکی مجاور ایران عبارتند از:

- ۱- حوزه قفقاز آناتولی: شامل کشورهای جمهوری اسلامی ایران، ارمنستان، گرجستان و روسیه. ۲- حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس: شامل ایران، عراق، کویت، عربستان، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان. ۳- حوزه ژئوپلیتیکی دریای عمان اقیانوس هند: شامل ایران، پاکستان، هند، عمان و امارات متحده عربی.

۴- حوزه ژئوپلیتیکی فلات ایران: شامل کشورهای ایران، پاکستان و افغانستان. ۵- حوزه ژئوپلیتیکی آسیای مرکزی: شامل ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان که ایران همانند پلی همه این کشورها را به جهان خارج مرتبط می سازد و نسجیده است اگر بگوییم ثبات در ایران بی ارتباط با این کشورها است و یا جنگ در این کشور تاثیر برای این مناطق نخواهد گذاشت.

### توپوگرافی راهبردی

طی چند سال اخیر همه تهدیدات از سوی بخش هوایی و دریایی بر جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده است. ایران با توان بالقوه ای که در جنگهای زمینی دارد، نیروهای استشهادی بسیاری که در اختیار دارد و همچنین ناهمواری های فلات ایران که منطقه را برای ورود دشمنان سخت و دشوار میکند، احتمال هرگونه درگیری زمینی را به صفر رسانده است، ایران در ناحیه مرکزی دارای عمق استراتژیک است و این عمق می تواند در پدید آمدن حالت پدافندی تاثیر مستقیم داشته باشد و باتوجه به اینکه نفوذ بیگانگان از مرزهای غربی در طول تاریخ بوده بنابراین عمق استراتژیکی نواحی مرکزی در عملیات پدافند، ضعیف عمل می نماید. بنابراین تدوین استراتژی باتوجه به بعد فاصله (مرکز تا پیرامون) نمی تواند نتایج قابل توجهی در رابطه با پدافند داشته باشد و با وجود همه این شرایط که ورود به ایران را برای نیروهای متجاوز خارجی مشکل می کند، بیگانگان به دلیل اهمیت ویژه ایران در معادلات جهانی، همچنان در صدد نفوذ به ایران هستند و شاهد ادعای ما نیز دنبال کردن طرح خاورمیانه بزرگ یا ایجاد برخی تحرکات قومی است که از سوی بیگانگان هدایت می شود و هرزگامی نیز نقشه های سیاسی جدیدی را پایگاههای نظامی ایالات متحده برای منطقه ترسیم میکند که همگی نشان از خصومت این کشور با ملت ایران دارد.

## چرا جنگ؟

جنگ نقطه پایان دیپلماسی و گفتمان های سیاسی میان دو یا چند کشور بشمار میرود، اما با اینهمه جنگ و صلح بخش قابل توجهی از تاریخ زندگی بشر را از آغاز تاکنون تشکیل داده است. تصاویر و داستانهای مربوط به جنگ ها، تجاوزات و فتوحات، معاهده ها و قراردادهای صلح در مذهب، ادبیات و هنر به صورت برجسته ای در تاریخ به چشم میخورد. نخستین پرسش این است که جنگ چیست و تعریف آن، چه می باشد؟ در فرهنگ لغات وبستر، واژه جنگ اعلان و آغاز به درگیری مسلحانه میان دولتها یا ملتها تعریف شده است. این تعریف یک تبیین خاص سیاسی و عقلایی از جنگ و درگیری به دست می دهد، بدین معنی که برای آغاز جنگ ضروری است تا صریحاً اعلام شود که میان دولتها یک جنگ باشد. استدلالهای این دیدگاه را در نظریات روسو می یابیم: جنگ روابط میان چیزهاست، نه اشخاص؛ بنابراین، جنگ یک رابطه است، نه رابطه میان انسان و انسان، بلکه رابطه میان دولت و دولت می باشد. جان کیگن تاریخ نگار امور نظامی، نیز توصیف سودمندی درباره نظریه سیاسی و عقل گرایانه جنگ در کتاب تاریخ جنگ ارائه می دهد. نظریه او بر این فرض استوار است که باید بین امور نظم ویژه ای حاکم باشد تا دولتها در آن درگیر شوند. در این نظم ویژه و انتظارات مشخص، مبارزان به راحتی قابل تشخیص اند و سطوح عالی فرمانبرداری از طریق مطیع کردن طرف مقابل وجود دارد. این برداشت از جنگ عقلانی تعریف مضیق آن است. همان گونه که این تعریف نشان می دهد مفاهیمی مانند محاصره، نبردهای هجومی، زد و خوردها، شناسایی قبلی، گشت زنی و برنامه های نگهبانی، که همگی شرایط ویژه خود را دارند، در این تعریف گنجانده می شود. همان طور که کیگن خاطر نشان می کند نظریه عقلایی چندان به ماهیت انسانی پیش از شکل گیری دولت ملی یا مردم بدون دولت و جنگهای آنها نمی پردازد. (اژدر، ۱۳۸۶: ۳)

غیر از تبیین های عقلانی، سیاسی، مکتبهای فکری دیگری نیز درباره ماهیت جنگ بحث کرده اند. همان طور که پیش از این گفته شد، ارتباطی میان تبیینهای هنجاری یا مضیق جنگ وجود ندارد. اگر جنگ به منزله پدیده ای که تنها میان دولتها اتفاق می افتد، تعریف شود، جنگهای میان چادر نشینان یا دشمنی های قبایل و گروههای غیر دولتی



علیه دولت نباید به منزله مصداق جنگ تلقی شوند. طبق تعریف دیگری، جنگ یک پدیده کاملاً فراگیر جهانی است؛ بنابراین، جنگها، تنها نشانه‌هایی از ویژگیهای اساسی جنگ جویان در جهان اند. چنین توصیفی با فلسفه هگل یا هراکلیتی مطابقت می‌کند و آنچه در سطوح طبیعی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره تغییر می‌کند تنها بیرون از جنگ یا نبرد خشونت آمیز رخ می‌دهد. هراکلیوس این موضوع را که جنگ منشأ هر تحولی باشد، نمی‌پذیرد و هگل نیز با او هم عقیده است. ولتر، که نماینده جریان روشنگری در غرب است با علاقه از این فکر پیروی می‌کند که قحطی، آفت و جنگ، از مهم‌ترین عناصر فلاکت بارند. تمام حیوانات به طور همیشگی، با یکدیگر در جنگ اند و در جریان جنگها، هوا، زمین و آب تباہ می‌شوند. (اژدر، ۱۳۸۶: ۵)

در مقابل، فرهنگ لغت آکسفورد، تعریف جنگ را گسترش می‌دهد و هر دشمنی و ستیزه فعال میان موجودات زنده و تنازع میان نیروها یا اصول متضاد را شامل آن می‌داند. این تعریف از محدود کردن تبیین سیاسی، عقلانی جنگ بر برخوردهای غیرقهرآمیز میان سیستمهای فکری خودداری می‌کند. در نتیجه، تجارت یقیناً می‌تواند نوع متفاوتی از فعالیت غیر از جنگ باشد. هرچند تجارت در جنگ نیز رخ می‌دهد، اما غالباً، وقوع جنگها را باعث می‌شود. به نظر می‌رسد این تعریف تکرار نظریه مابعدالطبیعه هراکلیتی از جنگ باشد، در اینکه نقش نیروهای مخالف در تغییر امورات دیگر اساسی است و جنگ محصول چنین مابعدالطبیعه ای است. روند تکاملی تاریخ زبان انگلیسی نیز نشان می‌دهد که ممکن است جنگ از طریق مفاهیم استنتاجی و ترکیبی که از یکدیگر وام گرفته شده اند، تعریف شود. زبانهای باستانی ساختارهای ریشه ای مناسبی دارند که آلمانی، لاتین، یونانی و سانسکریت را شامل می‌شوند. ممکن است چنین توصیفهایی شرحهای ادبی و شفاهی درباره جنگ را با مشکل روبه رو کند؛ زیرا، ما درباره جنگ در شعرها، داستانها، ضرب المثلهای و تاریخها می‌خوانیم که ممکن است فهم باستانی جنگ را نیز شامل شود. با وجود این، تعریفهای جنگ در ادبیات از سوی نویسندگان و پژوهشگران متعددی به صورت گوناگون ارائه می‌شود؛ سخن رانانی که بیشتر از مشرب مدرنیته متأثرند. در ضمن، باید یادآور شد که تفاوت تعریفها نیز از داوری نویسنده و محقق و ... درباره جنگ ناشی می‌شود، البته، باید گفت که تصور یونان باستان درباره جنگ با دریافت

کنونی از این موضوع متفاوت نیست. هرچند تعریف ریشه شناختی (۷) جنگ به این تصور درباره جنگ بازمی‌گردد که این تعریف‌های باستانی یا کنار گذاشته یا در تعریف کنونی وارد شده‌اند. بررسی کلی درباره ریشه‌های واژه جنگ نشان می‌دهد که فیلسوفان نسبت به گونه‌های ادراکی آن در درون اجتماع و در سراسر زمان نظر مشترکی داشته‌اند. برای نمونه، ریشه انگلیسی واژه جنگ، Werra است که در زبان آلمانی به معنی اغتشاش، نزاع یا ستیزه به کار می‌رود و فعل آن Werran است که به معنی اغتشاش کردن و ایجاد شورش است. (موزلی، ۱۳۸۶: ۲)

استفاده کنونی از واژه جنگ بر برخوردهای خشونت بار و ناآرامی دلالت دارد، اما همان‌طور که یادآوری شد، ممکن است، از آمیختگی تصوراتی که از مکتب‌های سیاسی ویژه‌ای ناشی می‌شوند، بی‌خبر باشیم. در تعریف دیگری می‌توان گفت که جنگ وضعیت سازمان یافته‌ای است که ستیزه و نبردهای جمعی را آغاز می‌کند و آنها را با توجه به شرایط پایان می‌دهد. این تعریف از زمینه مشترک انواع جنگ‌ها به دست آمده است و بدین معنی است که در تمام جنگ‌ها، عنصرهای مشترکی وجود دارند که به تعریف مفید و منسجم از مفهوم جنگ کمک می‌کنند. بدین ترتیب، این تعریف با برداشتهای متفاوت از جنگ سازگاری بسیار زیادی دارد، یعنی ممکن است ما جنگ را دقیقاً، نه به عنوان یک کشمکش میان دو دولت، بلکه به منزله کشمکش میان افراد غیردولتی و رفتارهای غیرمشخص و کاملاً سازمان یافته بدانیم؛ بنابراین، در جنگ‌ها، لزوماً، کنترل سیاسی وجود ندارد و فراتر از آن، ارتباطات فرهنگی طی جنگ‌ها و شورشها در جریان است و هیچ کنترل مرکزی مادی بر آنها نیست.

نتیجه سیاسی تعیین حدود جنگ، نخستین مسئله فلسفی را مطرح می‌کند و آن پذیرش یک تعریف از جنگ است که دربردارنده برخوردهای خشونت آمیز می‌باشد. اینکه یک دولت از دو طرف در خشونت، تهدید و بحران میان گروهها قرار دارد، با وجود اقتدار آشکار یک رئیس حکومت دولت می‌تواند میان چگونگی برخوردهای فعال یا تهدیدآمیز گروههای نظامی تمایز قائل شود. تاریخ اثبات کرده است که بسیاری از سیاستمداران بی‌خرد و جنگ طلب توانسته‌اند با رها کردن یک تیر، آتش جنگ را برافروزند و هم کشور خود و هم دهها کشور دیگر را درگیر

یک فاجعه بزرگ کنند. دنیا نمونه های مختلف آنرا در جنگ بین الملل اول و دوم، جنگ عراق، جنگ خلیج فارس، افغانستان و... تجربه کرده است و جنگ احتمالی ایران و ایالات متحده نیز میتواند از نوع پیچیده ترین جنگهای جهان بشمار آید.

## جنگ لفظی ایران و ایالات متحده

دریاسالار مایک مولن، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا (اول اوت / ۲۰۱۰ میلادی) به شبکه تلویزیونی «ان بی سی» گفت: طرح حمله نظامی به ایران برای جلوگیری از دستیابی این کشور به سلاح اتمی تهیه و در دست می باشد ولی از عواقب آن به شدت نگران هستیم. عملیات نظامی علیه ایران می تواند «پیامدهای ناخواسته ای داشته باشد که دشوار بتوان آنها را پیش بینی کرد، آن هم در منطقه ای به شدت بی ثبات در جهان». (خبرگزاری دویچه آلمان)

این رسمی ترین تهدید از سوی بلندپایه ترین مقام نظامی ایالات متحده در خصوص طرح حمله به ایران طی سالهای اخیر محسوب میشود که موجب افزایش گمانه زنی ها در خصوص عملی شدن درگیری نظامی بین دو کشور شده است و یا سخنان مایکل هایدن رئیس سابق سیا نیز پیش از این گفته بود که حمله به ایران اجتناب ناپذیر است و «دیپلماسی در پرونده هسته ای ایران با شکست مواجه شده است؛ زیرا ما از تعامل سخن می گوئیم و ایرانی ها به برنامه هسته ای خود ادامه می دهند. ما رای به تحریم می دهیم و باز ایرانی ها بر همان طبل می کوبند. ما تلاش می کنیم ایران را از دستیابی به تسلیحات هسته ای بازداریم اما باز هم ایرانی ها ادامه می دهند».

نقطه مقابل این تهدیدات پاسخ رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه "در صورت هرگونه اقدام احتمالی نظامی علیه ایران، عرصه مقابله با چنین اقدام خصمانه ای محدود به مرزهای ایران نخواهد بود و میدان گسترده تری را در سطح جهان در بر خواهد گرفت" (بیانات رهبر ۱۳۸۹)

و همچنین چند روز پس از این تهدیدات نیز رئیس جمهوری ایران محمود احمدی نژاد نیز، طی گفتگو با یک نشریه عربی هشدار داد "در صورت حمله به ایران، پاسخ تهران کره زمین را شامل می شود".

چنین گفتمان جنگی از یکسو درگیری لفظی میان مقامات دو کشور را به اوج خود رساند و از سوی دیگر از استراتژی نامحدود دفاعی ایران در این جنگ احتمالی خبر داد. پیش از این یکی از بندهای تحریمهای جدید شورای امنیت بر علیه ایران موضوع بازرسی کشتی‌ها و شناورهای جمهوری اسلامی ایران در آب‌های آزاد بود که فرماندهان نیروی دریایی سپاه واکنش شدیدی نسبت به آن نشان دادند. سردار صفاری فرمانده اسبق ندسا در این خصوص می‌گوید: "اگر دشمن بخواهد دست به چنین کاری بزند، برای ما فرقی نخواهد داشت که چه کشوری باشد. اگر هر کشوری شناور ما را مورد بازرسی قرار دهد، باید بدانند که آن‌ها در خلیج فارس وابستگی‌های فراوان تجاری دارند و در این صورت ما حتماً مقابله به مثل خواهیم کرد و هر شناوری با پرچم آن‌ها بیاید به سراغش خواهیم رفت؛ چراکه ما این قطعنامه را یک قطعنامه غیرمنطقی و زورگویانه می‌دانیم. عکس‌العمل ایران تنها به خلیج فارس نیز محدود نخواهد شد. ما فعلاً در خلیج فارس هستیم، اما برای این مقابله به مثل به واسطه حضور نیروی دریایی ارتش در آب‌های آزاد، برنامه‌هایی نیز برای نقاط دوردست در نظر داریم. بنابراین بنظر نمی‌رسد دشمن چنین اشتباهی را انجام دهد."

### سناریو بمباران هوایی ایران

"بمباران استراتژیک" یا "بمباران تاکتیکی" دو استراتژی جنگی است که در یک جنگ همه جانبه برای از بین بردن توان و امکانات اقتصادی دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور سیستماتیک سازماندهی و اجرای این استراتژی از طریق هوا صورت می‌گیرد. بمباران استراتژیک با بمباران تاکتیکی کاملاً متفاوت می‌باشد، اهداف در بمبارانهای استراتژیک معمولاً کارخانجات، خطوط راه آهن، پالایشگاهها، شهرها و ... می‌باشد در صورتی که هدف از بمباران تاکتیکی معمولاً انهدام پادگانها، مراکز فرماندهی، انبارهای مهمات، فرودگاه ها و در کل اهداف نظامی می‌باشد با توجه به این تفاوت‌ها مشخص می‌گردد که بمب افکن های استراتژیک هواپیماهایی بزرگ و دور برد میباشند در صورتی که بمب افکن های تاکتیکی بالنسبه کوچکتر و سریع تر هستند و در بسیاری از موارد بمباران

های تاکتیکی توسط شکاری بمب افکن ها صورت میگیرد، در بعضی از مواقع، قبل از اجرای یک بمباران استراتژیک با اجرای بمباران های تاکتیکی سیستم های دفاع ضد هوایی دشمن مورد تهاجم قرار گرفته و منهدم می گردد و سپس بمباران استراتژیک انجام می گیرد. اسرائیل با حمایت ایالات متحده در نظر دارد بمبارانی تاکتیکی را بر علیه مراکز هسته ای، قرارگاه های سپاه پاسداران و مراکز نظامی ارتش جمهوری اسلامی ایران ترتیب دهد. اما این بمباران مراکز هسته ای و نظامی همچون مراکز استراتژیک عراق که اسرائیل آنها را به سادگی ویران کرد نمی باشد، زیرا اولاً برخی مراکز ایران پنهان و به صورت زیرزمینی طراحی شده است و برای مراکز روی زمینی هم در مواقع جنگی سیستم های دود و گمراه کردن جنگنده های دشمن نیز در نظر گرفته شده است. ثانیاً پدافند هوایی ایران به سادگی نظاره گر این رخداد نخواهد ماند و با تمام توان موجود خود واکنش نشان خواهد داد. ثالثاً ساعتی پس از این واقعه تاسیسات هسته ای و فرودگاه های اسرائیل، می توانند اولین قربانیان حمله به تاسیسات هسته ای ایران باشند، موشک های ایران تا قلب نیروگاه هسته ای دیمونا در اسرائیل که در نزدیکی مرز مصر قرار دارد میرسد. تاکنون بیش از ۲۰۰ بمب هسته ای در این مرکز تولید شده است. این مقدار بمب می تواند همه ملتهای عرب منطقه را از بین ببرد و حتی بر خارج از منطقه خاورمیانه نیز تأثیر بگذارد. رژیم صهیونیستی علاوه بر اختیار داشتن بمبهای هسته ای از سلاح های شیمیایی و میکروبی نیز برخوردار است و در سال ۱۹۶۷م و نیز در انتفاضه الاقصی از آن بر ضد ملت فلسطین استفاده کرده است.

طرح حمله هوایی اسرائیل به ایران و ادامه پاسخ طرفین به یکدیگر پای ایالات متحده را نیز به این جنگ بازخواهد کرد و در نتیجه ایران نیز از همه قابلیت های خود در سطح جهان برای پاسخ به این جنگ فراگیر استفاده خواهد نمود. این جنگ بی شک برای کشور پرجمعیتی مانند ایران که وسعت جغرافیایی گسترده ای دارد و دارای سابقه تاریخی کهن با موقعیت استراتژیکی ممتاز در خاورمیانه می باشد، میتواند موجب صدمات فراوانی به برنامه های اتمی، موشکی و زیرساختهای ایران گردد و سازندگی های چند دهه قبل را بر باد دهد، اما در عین حال میتواند به نوعی اتحاد سیاسی در ایران را افزایش می دهد، ولی نقطه مقابل آن برای کشور کوچکی مانند اسرائیل که از

جغرافیای سیاسی نامشروع و متزلزلی هم رنج میبرد و جمعیت کم کشورش هم به دلیل فقدان امنیت آماده مهاجرت به کشورهای دیگر می باشند، بی شک نبود کننده و به معنای حذف از جغرافیایی سیاسی جهان خواهد بود. به بیان دیگر در بدترین حالت ، این جنگ ایران را ویران می کند اما اسرائیل را نابود و کارزاری بین المللی در مقابل نیروی های آمریکایی در هرکجای جهان که باشند خواهد گشود. با اینکه ورود آمریکا به صحنه جنگ اسرائیل با ایران کار را بر ایران بسیار دشوار می کند ولی جبهه جنگ را به سراسر جهان خواهد کشاند و نیروهای آمریکایی به ویژه در عراق، افغانستان، آسیای میانه، کویت، امارات، قطر، عربستان و... مورد هدف قرار خواهند گرفت و هیمنه استکباری ایالات متحده در این جنگ نامحدود درهم کوبیده خواهد شد.

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران علیرغم آنکه از جنگنده های مدرن دنیا برخوردار نیست ولی به دلیل آنکه از نیروهایی باایمان، شجاع، وطن پرست ، انقلابی و شهادت طلب تشکیل شده است به جرات میتوان گفت که آماده خلق حماسه های بینظیر در تاریخ هستند که این امر قابل قیاس با هیچ ارتشی در دنیا نمی باشند و در هرگونه جنگ احتمالی آینده نیز به جرات میتوان ادعا کرد که صدمات عظیمی به نیروهای متخصص خواهند زد. گواه این ادعا دفاع همه جانبه در هشت سال جنگ تحمیلی و به ویژه عملیات H3 می باشد که در یکم مهر ماه سال ۱۳۵۹ و تنها یک روز بعد از شروع جنگ تحمیلی، نیروی هوایی ایران توانست ضربه ای کاری به نیروی هوایی عراق وارد آورد که طی آن ۱۴۰ فروند از شکاری بمب افکن های ایران در عملیاتی به نام "کمان ۹۹" اکثر پایگاه های هوایی عراق را بجز پایگاه الولید، بمباران نمودند و موجب شد دولت بعثی عراق در باتلاقی گرفتار شود که هرگز فکر نمی کرد روزی در آن گرفتار شود. نیروی هوایی ایران که صدام حسین در شامگاه ۳۱ شهریور ۵۹ دم از نابودی کامل آن می زد، دست به کارهای بزرگی می زد و با بمباران روزانه مناطق نظامی، خواب را از چشمان بعثیون گرفته بود و در نتیجه آنان را مجبور کرد دست به دامان غریبهها شوند. دو سال پس از این عملیات شگفت انگیز، حماسه ای بینظیر در تاریخ جنگهای هوایی ثبت شد که بعدها از آن به عنوان نخستین عملیات استشهادی هوایی جهان یاد کردند. قرار بود کنفرانس جنبش عدم تعهد در اوایل شهریورماه ۱۳۶۱ در عراق توسط رژیم بعث عراق برگزار شود و صدام

ریاست این کنفرانس را به عهده داشته باشد. این فرصتی نبود که صدام و کشورهای حامی او به خصوص عربستان و کویت آن را به راحتی از دست بدهند و می‌توانست تهدیدی جدی برای ایران بشمار رود. گرچه برای برگزار نشدن این کنفرانس یک جنگ دیپلماسی تمام عیار در گرفته بود ولی نا امن کردن حریم هوایی بغداد هم برای برگزار نشدن این کنفرانس کافی بود. به همین جهت شهید دلاور عباس دوران برای ناامن کردن بغداد و محل کنفرانس اعلام آمادگی نمود. وی در سحرگاه سی‌ام تیر ماه ۱۳۶۱ بر فراز حریم هوایی بغداد به پرواز در آمد و پالایشگاه دوره در ضلع جنوبی بغداد را علیرغم تدابیر شدید امنیتی عراق، بمباران و سپس با زدن هواپیمای فانتوم F4 خود به هتل محل برگزاری اجلاس غیرمتعهدها، با ناامن جلوه دادن شهر بغداد، مانع از برگزاری این اجلاس در کشور عراق شد و حماسه عملیات استشهادی بزرگی را برای ایرانیان ثبت کرد. بدون تردید عباس دوران یک فرد یا یک دیدگاه فکری خاص نیست. اقدام شهادت طلبانه او حاصل تفکرات دینی شیعیان و دفاع همه جانبه از وطن است که در میان ایرانیان فراوان دیده میشود و به همین جهت در نیروی هوایی ایران نیز افراد متعددی باردیگر میتوانند چنین حماسه های خلق کنند و با کمترین امکانات بیشترین صدمات را به نیروی متخاصم وارد نمایند.

## خلیج فارس خط مقدم جنگهای نامتقارن

خلیج فارس به تنهایی ۶۱/۵ درصد از ذخائر ثابت شده نفت جهان را داراست. آمریکا در پی کمتر نمودن اتکای خود به خلیج فارس است، زیرا اتکای به این منطقه با گلوگاه هایی مانند تنگه هرمز همراه است که روزانه ۱۶/۵ میلیون بشکه نفت از این گذرگاه می گذرد. خلیج فارس هم به لحاظ جغرافیایی و هم بلحاظ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به آسیا بصورت کلی و آسیای شرقی و جنوبی نزدیکتر است و می تواند از مزیت هم پوشانی مابین عرضه کنندگان عمده که در آسیای غربی و شمالی قرار دارند با مصرف کنندگان عمده که چین، هند و ژاپن مابین آنها هستند، استفاده نماید. ایران بعنوان یکی از تولید کنندگان عمده نفت و گاز در سطح جهان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مطابق آمار ذخائر ثابت شده نفت ایران در انتهای سال ۲۰۰۶، ۱۳۷/۵ میلیارد بشکه است که پس از

عربستان سعودی با داشتن ۲۶۴/۳ میلیارد بشکه در جهان در دومین رده است. ذخائر ثابت شده گاز ایران مقدار ۲۸/۱۳ تریلیون متر مکعب است که پس از روسیه با داشتن ذخائر ثابت شده ۴۷/۶۵ تریلیون متر مکعب دوم است. این مقدار گاز ایران با ۱۷۶/۴۹ میلیارد بشکه نفت معادل است. اگر مجموع ذخائر ثابت شده نفت و گاز ایران و جهان را به واحد بشکه نفت معادل محاسبه نمائیم آنگاه ایران دارای ۳۱۴/۴۴ میلیارد بشکه نفت معادل در بخش ذخائر ثابت شده نفت و گاز خود است و عربستان سعودی دارای ۳۱۲/۷۳ میلیارد بشکه نفت معادل و روسیه دارای ۳۷۹/۲۲ میلیارد بشکه نفت معادل و عراق ۱۳۴/۹۴ میلیارد بشکه نفت معادل است. این به معنای آن است که ایران در موقعیت دوم و در بالاتر از عربستان سعودی در مجموع ذخائر نفت و گاز می ایستد. این موقعیت بی نظیر در منابع انرژی به کشور این امکان را می دهد که با ارائه راهبردهای مناسب در چارچوب امنیت انرژی، امنیت ملی کشور را به حداکثر رساند. (ملکی، ۱۳۸۶ : ۸)

اما در صورت به مخاطره افتادن منافع ملی ایران در خلیج فارس و حمله نظامی به کشور نه تنها دومین منبع انرژی جهان صادرات خود از خلیج فارس را قطع خواهد کرد بلکه باقی شرکا و رقبای تجاری نفتی عرب خود را نیز باخود در این چالش بزرگ انرژی در جهان همراه خواهد ساخت. خلیج فارس امروزه با مستقر شدن بیش از یکصد ناو جنگی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و... همچنین گشایش پایگاههای دریایی، هوایی و زمینی کشورهای مذکور در شیخ نشین های خلیج فارس به یکی از کانونهای بحران و محور تسلیحاتی جهان تبدیل شده است. چنین حضور گسترده شناورهای بیگانگان در یک دریای محدود هزاران کیلومتر، دورتر از مرزهای جغرافیایی این کشورها تنها نشان از اهداف استعماری و تسلط بر منابع انرژی غرب بر این منطقه دارد. تسلط و چپاول منابع نفتی خلیج فارس، حمایت از اسرائیل، گسترش بازار تسلیحاتی در قبال دریافت نفت، مهار قدرت روبه رشد جمهوری اسلامی ایران در منطقه، تنها به دلیل پایه های سست مردمی و غیردموکراتیک این شیخ نشین ها و وابستگی شدید حکمرانان عرب به غرب موجب گردیده است که زمینه را جهت استقرار چندین کشور غربی در منطقه خاورمیانه مهیا سازد.



نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، یکی از نیروهائی است که در خلیج فارس به حالت آماده باش مستقر می باشد و آماده دفاع از کیان کشور و آرمانهای انقلاب اسلامی در برابر تجاوزات احتمالی است. نیروی دریایی سپاه (ندسا) به پیشنهاد محسن رضایی و فرمان امام خمینی (ره) و به فرماندهی حسین علایی در سال ۱۳۶۴ تشکیل شد و در زمان جنگ با شناورهای آمریکایی در خلیج فارس تجربه های مهمی برای خود اندوخته کرد. همچنین به سرعت با استراتژی قایقهای موشک انداز تندرو در عملیات های مختلف جنگ از جمله والفجر ۸ فتح اسکله الامیه و درگیری با نیروی دریایی آمریکا توسط نادر مهدوی در مهر ۱۳۶۶ و همچنین گشتهای پراکنده در خلیج فارس و تنگه هرمز آرام آرام به یک نیروی دریایی تاثیرگذار در منطقه تبدیل گشت. هم اکنون ندسا دارای قایق های فوق سریع کلاس عاشورا طارق و ذوالجناح موشک انداز می باشد که آماده برای نبردهای دریایی پارتیزانی با شناورهای بیگانه در خلیج فارس می باشد. فرماندهان سپاه بارها اعلام نموده است که برای هر شناور جنگی نیروهای متخصص در خلیج فارس یکصد قایق موشک انداز تندرو که همزمان به سوی هدف حرکت میکنند در نظر گرفته شده است. بدون تردید نیروی دریایی سپاه که مسئولیت امنیت دریایی خلیج فارس را بر عهده دارد با ایدئولوژی انقلابی که دارد هرگز حضور نامشروع کشورهای متخصص در اطراف آبهای ایران که در گذشته از هیچ اقدامی بر علیه کشورمان فروگذار نبوده اند را تاب و تحمل نمیکند و در صورت آغاز درگیری، این دریا را به کانون بحران های نظامی و جنگهای چریکی تبدیل خواهد نمود. استراتژی ندسا بر پایه استفاده از قایقهای تندرو و زیردریایی های کوچک انداز، موشک های ساحل به دریا، مین گذاری، عملیات کماندویی و چریکی و در صورت نیاز تخریب سکوهای نفتی کشورهای همسایه ای که بر علیه ایران اقدام نمایند، پی ریزی شده است. این که ادعا می شود سپاه پاسداران بزرگترین ارگان نظامی جهان است که همزمان توانایی اداره جنگهای کلاسیک و غیرکلاسیک را دارد اغراق نیست و چنین توانمندی در این نهاد جمهوری اسلامی دیده میشود.

همچنین مقامات دولت آمریکا بارها گفته اند که برای مقابله با حملات احتمالی ایران به دنبال تثبیت سامانه دفاع موشکی پیشرفته در خاورمیانه و خلیج فارس هستند که شامل نصب رادار بسیار مدرن در کشورهای عربی می شود. این رادار می بایست با رادار پیشرفته مستقر در اسرائیل هماهنگ باشد. هر چند پدافند قدرتمندی برای حفاظت از شیخ نشین ها و تاسیسات اتمی اسرائیل از سوی ایالات متحده در نظر گرفته شده است اما در مقابل انبوه غیرقابل پیش بینی موشک های متنوع ایرانی که از جهت های مختلف به سوی این اهداف سرایز خواهند شد، ناکارآمد به نظر می رسند. امروزه جمهوری اسلامی ایران یکی از قدرتهای برتر موشکی جهان بشمار میرود و وزارت دفاع ایران حدود ۶۰ نوع مختلف موشک و راکت تاکنون تولید نموده است و به باور کارشناسان در حال طراحی موشکهای قاره پیمای شهاب ۶،۵،۴ نیز می باشد.

جنگنده بمب افکن های اسرائیلی نیز برای حمله به ایران بایستی از آسمان اردن، شمال عربستان و نیمه جنوبی عراق عبور کنند و از غرب ایران، وارد کشور شوند. همچنین ایالات متحده برای درگیری نظامی با ایران بایستی از پایگاههای خود مستقر در شیخ نشین های خلیج فارس بر ضد ایران استفاده کند. اجازه عبور از آسمان کشورهای عربی برای حمله به ایران یا استفاده از پایگاههای نظامی مستقر در شیخ نشین ها بر علیه ایران به منزله اعلام جنگ کشورهای عربی با ایران محسوب میشود. ایران در پاسخ به چنین اشتباه استراتژیک کشورهای عربی، جنگی گسترده در خلیج فارس را کلید خواهد زد و این به منزله سقوط امنیت انرژی در جهان خواهد بود. در مرحله نخست سکوها و ترمینالهای نفتی این شیخ نشین ها را موشک باران میکند تا جریان صدور نفت به جهان متوقف یا به مقدار بسیار کمی تنزل پیدا کند، این امر در راستای افزایش شدید قیمت نفت تا مرز ۳۰۰ دلار صورت خواهد گرفت. پیش بینی هایی که در مراحل بعدی پاسخ ایران به این تجاوز برآورد می شود انهدام بنادر تجاری عربی در سواحل خلیج فارس می باشد. برخی از این بنادر استراتژیک شامل جبل علی (امارات)، نجمه و ظهران (عربستان)، مسقط (عمان) و مینا عبدالله (کویت) می باشد. انهدام موشکی این بنادر نیز در راستای سقوط اقتصاد کشورهای عربی حوزه خلیج فارس می باشد. مرحله بعدی پاسخ ایران به کشورهای عربی آغاز تحرکات قومی و شیعی در

کشورهای عربی می باشد. ماهیت استبدادی حکمرانان عربی فرصت بسیار مناسبی را جهت آغاز انقلابهای آزادیخواهانه در این کشورها مهیا ساخته است. در بیشتر کرانه های عربی خلیج فارس (کویت، قطر، بحرین، امارات، عمان) درصد قابل توجهی از ایرانیان به همراه جمعیت حدوداً ۲۰ درصدی شیعیان سکنی گزیده اند. که این جمعیت در برخی نشینها چون بحرین به بالای ۶۰ درصد می رسد و باتوجه به پایمال شدن حقوق اولیه شهروندی این مسلمانان، جرقه های شورش و انقلابهای آزادیخواهانه با حمله به ایران، شعله ور خواهد شد و این امر میتواند ماهیت آمریکایی - انگلیسی برخی سران این کشورها را در آستانه فروپاشی قرار دهد. از این رو بیشترین صدمات حاصل از این جنگ پس از نابودی اسرائیل به کشورهای شیشه ای و شکننده عربی وارد خواهد شد.

انسداد تنگه هرمز یکی دیگر از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به حمله نظامی می باشد. تنگه هرمز جایگاه مهمی را در مبادلات انرژی دنیا ایفا میکند که هرگونه خدشه بر امنیت این منطقه استراتژیک، چالش های بزرگی را در اقتصاد غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا ایجاد میکند. بستن تنگه هرمز، منع تردد شناورهای بیگانه، مین گذاری در تنگه هرمز و یا هدف قرار دادن شناورها و نفتکشهای کشورهای متخاصم از این منطقه، بحران بزرگی را در انرژی جهان بوجود می آورد. ایران علاوه بر اینکه تنگه هرمز را کنترل می کند از طریق پایگاههایی که در جزایر هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی و لارک در اختیار دارد، تمامی ورود و خروجها به دهانه آبراه هرمز را کنترل می کند. علاوه بر این ایران موشکها و پهبادهایی در اختیار دارد که خلیج فارس و دریای عمان را پوشش کامل می دهد، که مجموع تمام این موارد، آسیب پذیریهای تنگه هرمز را در صورت هر اقدامی بر علیه ایران بشدت افزایش می دهد.

در همین حال رهبران و فرماندهان عالی رتبه نظامی در ایران بارها در خصوص پرهیز از ماجراجویی بیگانگان در تنگه هرمز هشدار داده اند و رسماً عنوان کرده اند که در صورت آغاز حمله به ایران، سیستم های موشکی سطح به دریای ما می توانند به هر نقطه ای از خلیج فارس و دریای عمان برسند. هیچ کشتی و یا قایقی نمی تواند از تنگه هرمز عبور کند بدون اینکه در برد سیستم های موشکی ما نباشد. (صفوی، ۲۰۰۷)

## گستره پاسخ ایران به هرگونه حمله نظامی

جمهوری اسلامی و ملت ایران باتمام هجمه های فراوانی که بر علیه خود طی چند دهه اخیر تجربه کرده است، اما به دلیل آموزه های دینی و ملی خود از هرگونه تجاوز به علیه کشورهای دیگر خودداری میکنند. با اینحال مقامات ایران بارها هشدار داده اند که به هیچ عنوان تجاوز به کشور ایران و مراکز هسته ای و نظامی خود را تحمل نخواهد کرد و این اصل دفاع از منظر اسلام نیز قابل دفاع می باشد. علاوه بر این امر اراده سیاسی و توان ملی قابل ملاحظه ای در ایران برای واکنش نظامی به اقدام نظامی احتمالی اسرائیل یا آمریکا وجود دارد. گستره چنین دفاع مشروعی از حقوق ملت ایران نه تنها مرزهای جغرافیایی ایران نیست بلکه میتواند تا اعماق کشورهای متجاوز نیز ترسیم شود. قرآن کریم بنیاد اندیشه نظامی و هرگونه اقدام و حرکت نظامی را بر مبنای حفظ و بقای جان و مال، حقوق و آزادی های اساسی انسان و حراست از ایمان و عقیده او قرار می دهد. به عبارت دیگر در بُعد نظامی، حرکتی از نظر قرآن و اسلام تائید شده است که حالت دفاعی و تدافعی داشته باشد و نه تعدی به دیگر کشورها را سفارش کند. حال این حالت دفاعی، یا دفاع از عقیده و ایمان و جان و متعلقات انسان است (جهاد دفاعی) و یا دفاع از آزادی بشر و حقوق انسانی که در واقع تجویز کننده جهاد رهایی بخش می باشد. بنابراین برخلاف برخی تعاریف، جهاد رهایی بخش نیز خود نوعی دفاع است که برای حفظ حقوق و آزادی نوع بشر و با هدف دفاع از مرزهای عقیدتی مسلمین انجام می گیرد. خداوند در آیه ۱۹۰ سوره بقره نیز می فرماید:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»

«در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید لیکن ستمکار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد»

همچنین در آیه ۶۰ سوره انفال میفرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا... وَاعِدُّوا لَهُمْ مِنْ قُوَّتِهِمْ...»

«و هر آنچه در توان دارید برای [مقابله] با ایشان [دشمن] نیرو و اسبان عراق کرده [مجهز] فراهم آورید تا مگر این سان دشمن خدا و خویشان را مرعوب سازید».

با بررسی آیات قرآن آشکار می‌گردد که در اسلام ماهیت جنگ و متوسل شدن به هر نوع اقدام نظامی صرفاً اقدامی تدافعی است و در واقع مشروعیت جنگ و جهاد در اسلام منوط به تدافعی بودن آن می باشد و طبعاً تا تجاوزی صورت نگرفته باشد، «دفاع» معنا و مفهومی نخواهد داشت. ملاحظه در این اصل نشان می دهد که در اسلام اولویت با صلح است و اگر رقیب نیز به هر دلیل نخواهد آغازگر جنگ باشد، به کلی جنگ منتفی می شود و مسائل و مشکلات از طریقی به غیر از درگیری نظامی مرتفع خواهد شد. این نوع نگاه به جنگ و جهاد در اسلام حکایت از نوعی حکمت، تعقل و بلند نظری آن دارد. به همین جهت داکترین نظامی را اصول، آئین، خط مشی کلی و افکار و عقاید نظامی یک جامعه و سازمان نظامی دانستیم که در واقع تعیین کننده مسیر حرکت و خطوط راهنمای راهبرد نظامی آن جامعه به شمار می رود. حال با در نظر گرفتن این تعریف مفهومی از داکترین نظامی اگر بخواهیم چهارچوب کلی داکترین نظام اسلامی را مشخص نماییم برجسته ترین ابعاد اندیشه نظامی اسلام قابل طرح و بررسی خواهند بود.

برابر آنچه که از آیات مطرح شد و دقت در روایات و سیره ائمه معصومین و برخی از اندیشمندان مسلمان، دفاع در برابر تعدی و تجاوز نظامی بیگانه به حدود قلمرو جامعه اسلامی در زمره نخستین و مهمترین اولویت دفاعی اسلام به شمار می رود. همین اهمیت و توجه موجب می گردد تا تدافعی بودن جنگ و اقدام نظامی در مرکز ثقل داکترین نظامی اسلام قرار بگیرد. اهمیت و جایگاه این موضوع در اسلام به اندازه ای است که خداوند مشروعیت هر گونه جنگ و جهاد و هر اقدام نظامی را منوط به تدافعی بودن آن نموده و مسلمانان را از کوچک ترین تجاوز و تعدی به حریم جغرافیایی دیگران بازداشته است. لذا در اسلام متوسل شدن به قوه قهریه در برابر کشورهای دیگر اقدامی پسینی تلقی می گردد و تا زمانی که تجاوزی رخ نداده باشد، جنگ و یا دست بردن بر ابزار نظامی، جایگاهی در سیاست خارجی کشور اسلامی نخواهد داشت؛ ولی با حادث شدن نخستین بارقه های تجاوز نظامی خارجی علیه

جامعه اسلامی، دفاع به امری لازم و حتی در مرحله ای بالاتر به عنوان یک وظیفه شرعی واجب تبدیل می گردد. در چنین شرایطی است که انگیزه و عمل به فریضه جهاد (با هدف انجام یک واجب شرعی) در راه خدا به والاترین جایگاه و مرتبه نزد خداوند تبدیل می گردد و در صورت کشته شدن در این راه، عامل به جهاد (شهید) محبوب ترین انسان در درگاه خداوند قلمداد می شود. در کنار ضرورت دفاع و مقابله با تجاوز خارجی آنچه که اهمیت پیدا می کند، موضوع کسب و حفظ و افزایش آمادگی رزمی در برابر تهدیدات نظامی خارجی است، چراکه امروزه بدون سازماندهی، برنامه ریزی منسجم و حساب شده بر مبنای ابعاد و اشکال تهدیدات نظامی، دفاع در برابر تجاوز امری غیر ممکن خواهد بود. به عبارت دیگر، اصل دفاع و رویکرد دفاعی اسلام به جنگ در شرایطی می تواند در صحنه عمل کارآمدی و کارایی مؤثر خود را به منصفه ظهور برساند که نیروهای مسلح و سازمان دفاعی جامعه اسلامی در شرایط مختلف زمانی و مکانی و بر اساس شکل و ماهیت تهدیدات نظامی خارجی، تدارک مناسب تسلیحاتی، تجهیزاتی، نیروی انسانی مورد نیاز، آموزش متناسب با تهدیدات، اتخاذ روش ها و شیوه های دفاع در برابر ابعاد مختلف تجاوز نظامی و... را دیده باشد. توجه به این امر که در قالب اصل بسیج رزمی و تدارک تسلیحات و تجهیزات و همچنین اصل احتیاط و هوشیاری اندیشه نظامی اسلام قرار دارد، در شکل تکامل یافته خود به اصل بازدارندگی دفاعی تبدیل می گردد. در واقع ایجاد شرایط مطمئن بازدارندگی در زمان صلح را، که امروزه بحثی مهم و تعیین کننده در هر نظام دفاعی و امنیتی کارآمد می باشد - باید مکمل دفاعی بودن جنگ و هر گونه اقدام نظامی در اندیشه نظامی اسلام به شمار آورد، چرا که بدون ایجاد زمینه مناسب برای دفاع در زمان صلح، امکان دفاع در برابر تجاوز خارجی متصور نخواهد بود.

حمله نظامی به جمهوری اسلامی ایران که مرکز شیعیان جهان محسوب می شود میتواند نوعی جنبش رستاخیز شیعی را در منطقه خاورمیانه فعال می سازد که این به معنای جنگی تمام عیار برضد متجاوزین به ایران اسلامی می باشد. رهبران دینی ایران میتوانند در مواقع بحران با اعلان جنگ برضد نیروهای متجاوز ایالات متحده در منطقه، وضعیت فوق العاده ای را رقم بزنند. برخی از این گروههای مبارز که همسو با سیاست های ایران هستند میتوان به

این گروهها اشاره نمود: جنبش اسلامی امل، اخوان المسلمین، شیعیان الحوثی، حزب الله لبنان، گروه فلسطینی حماس، جیش المهدی عراق، گروه دارالتوحید کویت، حزب الدعوة عراق، الجبهه الاسلامیه للتحریر بحرین، حزب الله بحرین، الوفاق الوطنی الاسلامی، سپاه بدر عراق. اندیشه دینی و سیاسی بسیاری از نیروهای آزادیبخش در کشورهای اسلامی این حق را به آنها می دهد تا برای دفاع از نوامیس مسلمین در کشورهای همسایه به دفاع از دیگر ملت های مسلمان که به ویژه پیوند تاریخی و مذهبی هم دارند برخیزند. البته این دفاع با توجه به شرایط راهبردی منطقه و توانایی نفوذپذیری ایران در کشورهای متجاوز دارای ابعاد وسیعی خواهد بود و به جرات میتوان ادعا کرد نیروهای استشهادی شیعیان پیرو ایران برای دفع این تجاوز قابلیت ورود به قلب ایالات متحده را نیز دارند. سپاه پاسداران که شامل نیروی هوایی، زمینی، دریایی، سپاه قدس و سپاه ولی امر مسلمین می باشد از نیروهای زنده، کارآمد و پارتیزانی تشکیل شده است و آمادگی جنگهای درازمدت را دارند.

نیروهای قدس در جنگ ایران و عراق به عنوان نیروی برون مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد و فعالیتش را با حمایت از کردهای عراق برای مقابله با صدام حسین در زمان جنگ ادامه داد. همچنین با حمایت از (شهید) احمدشاه مسعود در جنگ شوروی در افغانستان و بعدها در مقابله با طالبان دامنه فعالیتش را گسترش داد. همچنین گزارشهایی از نیروهای قدس مبنی بر حمایت از مبارزین اسلام گرای بوسنیایی در جنگ یوگوسلاوی نیز در دست است. (هرش و هوسنبال، ۲۰۰۷)

اشراف اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و همچنین توانمندی موشکی استراتژیک و جنگهای پارتیزانی در خلیج فارس، از نکات برجسته این نیرو بشمار میرود که میتواند همزمان در چندین جبهه مختلف آتش جنگ را هدایت کند. نیروهایی که بسیار دقیقتر از ماهواره های جاسوسی آمریکا عمل می کنند و علاوه بر توانایی عملیات نظامی بسیار گسترده در عراق و افغانستان، توان بسیار بالایی برای بسیج و متمرکز کردن نیروهای مقاومت کشورهای همسو بر علیه آمریکا را دارند. این اقدام با بسیج عمومی در این کشورها

و گشودن بازارهای اسلحه ایران و روانه شدن تسلیحات نظامی به سوی این کشورها در جهت مقابله با نیروهای متجاوز غربی امری دست‌یافتی بنظر میرسد.

علاوه بر پاسخ‌های کلاسیک، غیرکلاسیک و استشهادی، پاسخ‌های خصمانه دیپلماتیک ایران هم دور از انتظار نیست. در اولین زمان ممکن پس از حمله به کشور، جمهوری اسلامی ایران میتواند از معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی خارج شود و به منظور جلوگیری از ادامه حملات بیشتر فوراً موشک‌های قاره‌پیمای خود را به مرحله ساخت بگذارد و حتی دور از انتظار نیست که برای بازدارندگی در برابر تجاوزات صورت گرفته اقدام به تهیه و نصب کلاهک‌های هسته‌ای بر روی موشک‌های دوربردش نماید.

### عملیاتی شدن تئوری دکترین جنگ‌های ناهمگون

کشور ایران طی دویست سال گذشته بارها مورد یورش و تجاوز نیروهای مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. شدت تجاوزات به حدی است که تاریخ ایران، دویست سال گذشته خود را یکی از ننگین‌ترین دوران کشور ایران می‌داند. به برخی از این فجایع میتوان فهرست وار اشاره نمود: قرارداد ننگین پاریس (۱۸۵۶م)، قرارداد ننگین ۱۲۹۹م، قرارداد ننگین گلد اسمیت (۱۸۷۱م)، قرارداد ننگین گلستان (۱۸۱۳م)، قرارداد ننگین ترکمانچای (۱۸۲۸م)، قرارداد ننگین کنسرسیوم (۱۳۳۳خ) و البته به این موارد بایستی تجاوزات مکرر روس و انگلیس، خسارت‌های سنگین جنگ جهانی اول و دوم و همچنین تجاوز هشت ساله عراق را نیز افزود. چنین تاریخی تحمیلی را بی‌شک در کمتر کشوری از جهان میتوان یافت کرد. دکترین دفاعی ایران به خوبی واقف هستند که کوتاهی و مماشات با جهان متجاوز غرب علی‌رغم روابط دیپلماتیک رایج میان کشورها، میتواند برگ ننگین دیگری را در کارنامه تاریخ معاصر ایران اسلامی رقم بزند. از این رو بنظر میرسد شعار "امنیت و صلح جهانی یا برای همه یا برای هیچ کس" را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این امر به هیچ وجه قابل پذیرش نیست که چند کشور بزرگ صنعتی با صلح و آرامش زندگی کنند و سیر پیشرفت را طی کنند ولی در کشورهای دیگر جنگ افروزی و



آتش راه بیاندازند و موجبات عقب ماندگی و سرخوردگی آنان را فراهم سازند. مقابله با چنین تفکر استعماری نیازمند برابری و همگونی نظامی و دفاعی در برابر چنین اندیشه می باشد. از آنجاییکه جهان غرب آخرین تکنولوژی را برای خود محضوظ میدارند، لذا شیوه نوین دیگری در دفاع از کشور و باورهای عقیدتی در نظر گرفته شده است. در سالهای اخیر تئوری جنگ نامتقارن بیش از پیش در کانون توجه قرار گرفته و بسیاری از مباحث جاری در حوزه نظامی، از این مقوله تاثیر گرفته است. اغلب از اصطلاح نامتقارن برای توضیح مجموعه عوامل پیدا و پنهان در نبردهای آتی بین دو کشور غیرمطراز استفاده می شود. نمونه هایی از این جنگهای ناهمگون شامل نبردهای استشهادی ۱۹۸۳ بیروت، دفاع مردم فلسطین، جنگ اول خلیج فارس، جنگ ایران و عراق و حادثه ۱۱ سپتامبر می باشد.

جنگ نامتقارن جنگی نوظهور نیست، در متون کهن ایران باستان و به ویژه در زمان حکومت پارتیان در جهت خروج کشور ایران از زیر سلطه نظام غربی هلنیان نمونه های فراوانی از آن دیده میشود. هرچند مفهوم جنگ نامتقارن به تازگی در ادبیات نظامی راهبردی دنیا خصوصا غرب و آمریکا وارد شده است ولی مطالعه کتابهای تاریخ جنگها نشان می دهد مفهوم جنگ نامتقارن ریشه در ادبیات کهن دفاعی دارد. مروری بر اندیشه های سن تزو در کتاب هنر جنگ و یا گفته های ماکیاول در کتاب خطابه ها نیز میتواند این ریشه ها را به خوبی نشان دهد. واژه نامتقارن معمولا با واژه هایی همچون عدم تقارن، نامتعارف و یا نامتناسب مترادف و هم معنی می باشد. برخی از این مفاهیم چنین می باشد:

**عدم تقارن:** وقتی دو اردوگاه جنگی از لحاظ منابع انسانی و منابع مادی کاملا یا نسبتا معادله برابری ندارند به گونه ای که در یک طرف عنصر قوی و در طرف دیگر عنصر ضعیف قرار دارد، مفهوم عدم تقارن شکل می گیرد. اما موضوع نامتقارن و عدم تقارن با یکدیگر قابل جمع نیستند.

**نامتعارف:** هرچند امروزه واژه نامتعارف در مقوله سلاح‌های نامتعارف، مفهوم سلاح‌های استراتژیک را یافته است ولی واژه نامتعارف، مفهوم معمول و عادی نبودن را به ذهن تداعی می‌کند.

**نامتناسب:** شاید نزدیک‌ترین واژه به مفهوم نامتقارن باشد که به معنای فقدان تناسب معمول نظامی بین دو جبهه نبرد است. نامتناسب در منابع انسانی بین دو جبهه یا در منابع مادی دو طرف درگیر است ولی برداشت معمول در نامتناسب، نامناسب بودن را نیز به همراه دارد که با واژه نامتقارن سنخیتی ندارد. پدیده نامتقارن در بسیاری از پدیده‌های علمی جهان نیز مشاهده می‌شود حتی در تئوری‌های تشکیل جهان از دیدگاه فلسفه علم فیزیک ذرات، تئوری‌های میدان و حلقه و یا در مباحث تئوری‌های مولکولی ساختار مواد و نظریه کوانتوم نیز پدیده نامتقارن مطرح است. اسپین الکترونها در مکانیک کوانتوم هائیز بزرگی نیز نوعی پدیده نامتقارن را در دنیای هسته اتم به نمایش می‌گذارد. در مفاهیم اسلامی و در تاریخ جنگ‌های صدر اسلام نیز به نوعی مفهوم جنگ نامتقارن دیده می‌شود. آیه مبارکه قرآن کریم «کم من فئه قلیله، غلبت فئه کثیره باذن الله» شاید بیانی از این مفهوم باشد. نص صریح قرآن کریم در آیات جنگ بدر، غلبه یک نفر از شما بر ۱۰ نفر و بعد پیروزی یک نفر به ۳ نفر از دشمن، نیز از همین مبحث است. در زمانی که دشمنان پیامبر با همه امکانات و تجهیزات رزمی زمان خود به مقابله با اسلام پرداختند، یاران رسول الله (ص) با تجهیزات اندک ولی روحیه و انگیزه سرشار از ایمان به خدا و یقین به آخرت و روحیه شهادت‌طلبی توانستند اسلام را تا دروازه‌های تمدن روم هدایت کنند.

**ویژگی‌های جنگ نامتقارن:** جنگ نامتقارن که در یک طرف آن عنصری به ظاهر قوی و در یک طرف دیگر آن عنصر ضعیف قرار دارد ویژگی‌هایی دارد:

۱- فقدان تناسب معمول نظامی بین دو جبهه درگیر؛

۲- تضاد منافع حیاتی دو جبهه؛

۳- بیشترین بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن در جبهه قوی و به حداکثر رساندن برتری‌های خودی در جبهه

ضعیف؛

۴- توجه ویژه به ابعاد روانی، عمومی و بسیج نیروها؛

۵- دستیابی به اهداف راهبردی با استفاده از منابع کم و تاکید به اصل کمترین هزینه در مقابل بیشترین بهره.

(موحد علوی، ۱۳۸۷)

باتوجه به تحریمات سی سال گذشته، ایران بجای آنکه همه توان خود صرف افزایش توان نظامی کلاسیک و ایجاد عمق دفاعی بیشتر نماید، با تغییر تاکتیک بجای افزایش تلاش در جهت افزایش ظرفیتهای متعارف دفاعی، منجمله ایجاد نیروی هوایی مدرن و کار آمد، سیستم جامع هشدار دهنده رادار و تدارک دفاع ضد موشکی و همچنین نیروی دریایی کلاسیک مدرن، نقاط ضعف حریف را در منطقه و جهان شناسایی و تمام پتانسیل خود را معطوف نابودی این نقاط ضعف قرار داده است. بر مبنای این دکترین نظامی، جمهوری اسلامی ایران در کنار نبردهای کلاسیک زمینی، هوایی و دریایی، به ابزار و شیوه های جنگ نامتقارن با ارتشهای کلاسیک مدرن رو کرده و نقاط آسیب پذیر حریف را در تیر رس خود قرا داده است. اتهام تلاش ایران برای دست یافتن به سلاحهای غیر متعارفی را در کنار تلاش برای تدارک ناوگان قایق های فوق تندرو موشک انداز در خلیج فارس میتوان در چهار چوب همین دکترین قرار داد. بموجب این استدلال، کشورهای ساحل جنوبی خلیج فارس در خانه ای شیشه ای زندگی میکنند که علیرغم خرید تسلیحات بیش از ۵۰ میلیارد دلاری از غرب در مقابل این رویکرد احتمالی در جنگ با ایران توان مقابله نخواهند داشت. آشکار است که ایران با وجود تحریم های پیش رو در جنگهای کلاسیک هوایی در مقابل برخی کشورهای منطقه منجمله عربستان سعودی که دارای بیش از ۴۰۰ هواپیمای جنگنده است از توانایی کمتری برخوردار است. از این ۴۰۰ جنگنده سعودی ها بیش از ۲۸۰ فروند همواره در شرایط حداکثر آمادگی برای عملیات بسر میبرند. عربستان دارای ۱۱۰ فروند هواپیمای تورنادو و ۱۶۰ فروند هواپیمای F15 در شرایط عملیاتی است. عمر متوسط این هواپیماها در حدود یک سوم هواپیماهای نظامی جمهوری اسلامی است. بعلاوه بحرین و امارات و

عمان (دیگر اعضای پیمان دفاعی خلیج فارس) بروی هم حدود ۱۳۰ فروند هواپیمای F16 آماده عملیات در اختیار دارند. امارات عربی مستقلا دارای ۶۲ هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ فرانسوی است. کویت نیز دارای ۳۹ فروند هواپیمای F18 جنگنده است. از این رو استراتژی شلیک صدها فروند موشک از سوی ایران در دقایق اول جنگ به این پایگاه ها عربی بهترین راهکار برای مقابله با این تسلیحات مدرن کشورهای عربی است. البته مقامات ایران همیشه به کشورهای عربی منطقه با رویکرد دوستی متقابل نگرسته اند، اما باتوجه به پیشینه خصومت تاریخی این کشورها با ایران که در جنگ با عراق نیز نمونه هایی از آن آشکار شد، نمی توان بروی چنین دوستی تاکید کامل داشت.

### راهبردهای موجود برای خروج از جنگی فراگیر

هر روز که می گذرد شایعه ای امکان حمله ی نظامی کشورهای غربی علیه جمهوری اسلامی ایران شدت بیشتری می گیرد. جنگی که می تواند برای مردم خاورمیانه و حتی مردم غرب پیامدهای دهشتناکی در بر داشته باشد. باتوجه به مسائل بیان شده و عواقب سنگین گشودن جبهه جدید جنگی بر علیه ایران (پس از جنگ تحمیلی)، تنها با کاهش شعله جنگ میتوان از این مبارزه نظامی بین المللی جلوگیری نمود. در همین راستا پیشنهادهای ارائه میگردد:

- دست کشیدن ایالات متحده، اسرائیل و انگلستان از سیاستهای نامشروع خود در جهت اسعتمار و استعمار ملت فرهنگ ساز ایران.
- رفع تحریم های غیرقانونی و چندین دهه ای بر علیه ملت و دولت ایران.
- آغاز مذاکرات بی قید و شرط طرفین جهت رفع سوتفاهمات موجود.
- تبادل سوخت هسته ای در کشوری ثالث که پاینده به حقوق بین المللی باشد.
- خلع سلاح کشورهای دارنده سلاح اتمی که حتی سابقه به کارگیری بر علیه ملت های دیگر را نیز دارند.
- ایجاد یک جبهه بین المللی صلح خواهی و تمکین جامعه جهانی به خواسته های ملی و حقوق قانونی ایران.

- تضمین های شفاف جمهوری اسلامی ایران بر عدم ساخت و استفاده از تسلیحات اتمی برضد کشورهای دیگر.

عملیاتی شدن این طرحها و ضرورت اعتمادسازی میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده تنها گزینه هایی هستند که میتواند خطر جنگ و رویارویی میان ایران و آمریکا و متحدینش را کاهش دهد. غرب باید بپذیرد که با کشوری بزرگ و تاثیرگذار در خاورمیانه همچون ایران نمی تواند با روحیه زورگویانه، تجاوزگری و زبان تحریم سخن بگوید، زیرا عواقب این نوع رفتار خصمانه ایالات متحده در به رسمیت نشناختن حقوق اولیه ملت ایران در مرحله نخست موجب تقابل تمدنها و سپس تقابل نظامی طرفین در سطوح گسترده خواهد شد. کارشناسان بیطرف به خوبی واقف هستند که ایران در محاصره قدرت های بزرگی همچون روسیه، چین، پاکستان، هند و اسرائیل و ترکیه قرار دارد که به نوعی دارای توان هسته ای یا سلاح های کشتار جمعی می باشند. برخی از این کشورهای اتمی همچون پاکستان، خود مهد تروریست و صادرکننده این تفکر افراطی به جهان می باشد اما به دلیل آنکه تحت سیطره و استعمار نامحسوس سیاسی ایالات متحده قرار دارد خرده ای بر آن وارد نیست! اما ایران که مستقل و در تقابل با اندیشه های استعماری است، جبهه گیری هایی نابخردانه بر علیه آن ترسیم شده است.

### نتیجه گیری

شواهد حکایت از آن دارد که ملت ایران نه به استقبال این جنگ فراگیر می روند و نه از حقوق اولیه خود عقب نشینی میکنند. دیپلماسی اصل مهم راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران است که از طریق آن پیام ملت ایران و اهداف کلان کشور را با دیگر ملل به اشتراک میگذارد و ائتلاف ایجاد میکند. بدون تردید دیپلماسی ایرانی باید تا آن حدی پیش برود که دولتهای دیگر را مجبور به تسلیم شدن در برابر حقوق مسلم ملت ایران کند، تا بتواند بدون توسل به جنگ و ویرانی، ملت ایران را با صلح به پیروزی برساند. ماهیت وجودی ملت ایران صلح طلبی، دفاع از

عدالت و دادگستری در جهان است. این امر از صدور نخستین منشور جهانی حقوق بشر در ایران باستان تا سخن سعدی شیرازی که بر سر درب سازمان ملل نقش آفرین است به روشنی هویدا می باشد. اما امروزه رسانه های غربی که بسیاری از آنها وابسته به اندیشه های صهیونیستی می باشند، ایران را یکی از کانون های بحث انگیز در مباحث سیاسی جهان و به نوعی برهم زننده امنیتی جهانی معرفی میکنند. این امر به دلیل ماهیت رابطه و اختلافات ایران با ایالات متحده است که جرج بوش از ایران تمدن ساز به عنوان محور شرارت یاد میکند! رئیس جمهور پیشین آمریکا که خود عامل اصلی شرارت، جنگ طلبی و ویرانگری بود، کشوری عظیم و تاریخی را محور شرارت می نامد. نیاز به یادآوری نیست زمانی که اکثر کشورهای توسعه یافته غربی حتی وجود خارجی نداشتند، این ملت خدمات ارزنده ای را به بالندگی و آغاز تمدن بشری نموده است. ایران زمین موطن دانشمندان، فلاسفه و عارفان بنامی همچون خیام، ابوعلی سینا، فردوسی، حافظ، سعدی، مولانا، فارابی، غزالی، زکریای رازی و... است که از شهرتی جهانی برخوردار می باشند. تصویر متعارفی که توسط رسانه های غربی از ایران ارائه می شود، همواره میراث غنی این کشور را نادیده انگاشته است. در عوض ماهیت و جایگاه این میراث گرانبها به سطح اختلافات سیاسی کنونی این کشور با غرب بویژه در رابطه با مسائل آمریکا تنزل یافته است. با این همه این تفصیلات ملت ایران هنوز راه مذاکره و دیپلماسی را باز میدانند و جهان غرب را به پایان دادن به اقدامات خصمانه بر علیه خود فرا می خوانند. ارتش ایالات متحده که بیشترین بودجه نظامی را در میان کشورهای جهان به خود اختصاص داده است (۷۰۰ میلیارد دلار) باید بداند که اشتباهات گذشته اش در ویتنام، عراق و افغانستان در برابر گشودن جبهه جنگی دیگری بر علیه ایران بسیار ناچیز خواهد بود و این جنگ میتواند امنیت و صلح جهان و به ویژه ایالات متحده را تا دهها سال مختل نماید و آمریکا را وارد باتلاقی بی انتها کند که بیرون آمدن از آن شاید دهها سال زمان بر باشد. آمریکا به خوبی میداند که در صورت بروز حادثه، ایران موجب توقف یا کاهش چشمگیر صدور نفت خام به جهان خواهد شد و نیروی دریایی این کشور را در خلیج فارس با ترکیبی از سلاح های دفاعی و تهاجمی کلاسیک و غیر کلاسیک مواجه خواهد کرد که این عملیات دفاعی تا قلب آمریکا قابل گسترش دادن میباشد و این به معنای پایان امنیت ایالات متحده خواهد بود.

## منابع و ماخذ

- ۱- مرشدی، ارسلان، ۱۳۸۶، لایه های پنهان یک جنگ سرد، روزنامه جام جم
- ۲- موحدهلوی، علیرضا، ۱۳۸۵، جنگ نامتقارن و مولفه های فرهنگی و روانی فصلنامه عملیات روانی، شماره ۵
- ۳- هرش، مایکل؛ دهقان پیشه بابک؛ هوسنبال مارک. «Enemy The New»، نیوزویک، ۱۵ فوریه ۲۰۰۷.  
بازیابی شده در تاریخ ۷ ژوئیه ۲۰۰۷. (به زبان انگلیسی)
- ۴- ملکی عباس، ۱۳۸۶، مقاله آینده جهان و امنیت انرژی صفحه ۸
- ۵- موزلی، آکس، ۱۳۸۶، مقاله فلسفه جنگ، صفحه ۲
- ۶- خبرگزاری دویچه وله آلمان، <http://www.dw-world.de/dw/article/0,,5856543,00.html>
- ۷- بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۲۸ مرداد ۱۳۸۹
- ۸- سخنرانی سردار "یحیی رحیم صفوی" فرمانده سابق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران (IRGC) در تاریخ ۱۵ آگوست سال ۲۰۰۷ میلاد
- ۹- اژدر، حسین، ۱۳۸۶، مقاله هویت جنگ و جنگ شناسی صفحه ۳